

موانع حقوقی جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی

دکتر محمد کاظم عمادزاده*

محمد علی عبازاده**

ابراهیم برجی دولت آباد***

چکیده

با گذشت زمان، نه تنها کشورهای در حال توسعه، بلکه کشورهای توسعه یافته نیز، در مسیر پیشرفت اقتصادی با مسایل تازه‌بی‌روبه‌رو می‌شوند که راه حل آنها، تنها با ابزارهای نظری و عملی نو میسر است. یکی از جدیدترین و مؤثرترین ابزارهای اقتصادی، سرمایه‌گذاری خارجی است که گذشته از تأمین سرمایه، عامل تعیین‌کننده نرخ رشد اقتصادی برای آینده نیز به‌شمار می‌آید.

هدف از نگارش این مقاله، بررسی مفهوم سرمایه‌گذاری خارجی و شناسایی موانع حقوقی پیش روی آن در کشور در حال توسعه ایران است. ضرورت چنین بحثی، از آنجا ناشی می‌شود که با وجود فرصت‌های سرمایه‌گذاری بی‌شمار، سهم کشور ما از سرمایه‌گذاریهای خارجی ناچیز است.

عوامل گوناگونی امکان موفقیت در جلب سرمایه‌های خارجی را افزایش می‌دهد. مهمترین این عوامل، وجود یک ساختار حقوقی جامع است که تا اندازه زیادی دارای کمترین نیاز به ارجاع مسایل به دیگر قوانین و مقررات باشد. در پایان این نوشتار، راهکارهایی برای رفع برخی از موانع حقوقی در برابر جلب سرمایه پیشنهاد شده است تا از این راه به رشد اقتصادی سریعتر و مطمئنتری دست یابیم.

* عضو هیأت علمی گروه حقوق دانشگاه اصفهان

** دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی؛ گرایش مالی

*** دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی؛ گرایش مالی

۱. پیشگفتار

سرمایه‌گذاری خارجی، یکی از رفتارهای مهم اقتصادی و به تبع آن حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری خارجی نیز دارای اهمیت بسزایی است. از نظر مفهومی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (Foreign Direct Investment) (FDI) نقش انتقال دهنده مازاد سرمایه به کشورهای دارای کمبود سرمایه را دارد و از این راه، توزیع سرمایه‌گذاری صورت گرفته در کل دنیا را متعادل می‌کند. بنابراین، با توجه به عرصه رقابت جهانی و «به‌موازات تغییر بازارها و بروز و ظهور نیروهای تکاملی جدید برای ایفای نقش، دیگر برندگان و بازندگان امروز، برندگان و بازندگان دیروز و فردا نیستند» [۱]. گرچه، کشورهای توسعه نیافته با پذیرفتن حضور سرمایه‌گذارهای خارجی، در واقع، در معرض خطر کنترل و زیر تیغ شرکتهای چندملیتی افتادن هستند، اما، کشورهایی هم که در این رقابت، از ابزارهای نوینی مانند FDI استفاده نمی‌کنند، محکوم به شکست یا دست‌کم، رشد اقتصادی کند خواهند شد.

گفته می‌شود که سرمایه‌گذاری خارجی - مستقیم و غیرمستقیم - منبع مهم سرمایه و عامل تعیین کننده نرخ رشد آتی اقتصاد است. کلاسنز (Classens) (۱۹۹۳) در تحقیق خود، ضمن بررسی اشکال مختلف تجهیز منابع مالی، به این نتیجه رسید که FDI، یکی از مناسبترین روشهای تأمین مالی برای کشورهای در حال توسعه است که به اندازه بازار و تجربیات گذشته شرکتهای بستیگی دارد [۲]. تحقیقات دیگری، نظیر مطالعات بارنتین و همکاران (Borensztein and Et., al) (۱۹۹۸)، لنسینک و مورسی (Lensink & Morrissey) (۱۹۹۹) و سالتر و فورد (Slater & Ford) (۲۰۰۱) تأثیر FDI بر رشد اقتصادی را تأیید کردند و میزان اثرگذاری این متغیر را بسیار بیشتر و مؤثرتر از اثر سایر عوامل، خصوصاً سرمایه انسانی و عوامل تکنولوژیک، ارزیابی کردند [۳]، [۴] و [۵].

اندرا دسوسا (Indra de soya) (۲۰۰۳) در مطالعه خود، تحت عنوان «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، دموکراسی و توسعه»، ضمن بررسی چگونگی و میزان

پیوستن به جریانات بین‌المللی - با تأکید بر نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و دموکراسی در توسعه اقتصادی - اثرات دموکراسی را بر رشد اقتصادی مورد آزمون قرار داده و این ادعا را تأکید کرده است که در حقیقت FDI می‌تواند یک نقش حمایتی برای دموکراسی بازی کند و رشد اقتصادی بمراتب بالاتری را نسبت به سرمایه داخلی به همراه داشته باشد [۶]. از این تحقیق می‌توان نتیجه‌گیری کرد که وجود دموکراسی در بخش اقتصادی - به معنای حضور قوانین شفاف و عادلانه - بستر ساز جذب سرمایه خارجی و در نتیجه رشد اقتصادی خواهد بود.

هدف از نگارش این مقاله، نیز، بررسی موانع حقوقی (نقیصه‌های دموکراسی اقتصادی) در قانون اساسی کشور و ارائه پیشنهادهایی جهت رفع این نواقص و آسان‌سازی جذب سرمایه‌گذاری خارجی و در نتیجه رشد اقتصادی است.

۲. مفهوم سرمایه‌گذاری

از لحاظ اقتصادی، پس‌اندازهای گروهی از مردم، به وسیله گروههای دیگر - از قبیل صنعتکاران - تبدیل به یک کالای سرمایه‌ی می‌شود و مفهوم سرمایه‌گذاری را به وجود می‌آورد. براساس نظریه افزایش

○ با گذشت زمان، نه تنها کشورهای در حال توسعه، بلکه کشورهای توسعه یافته نیز، در مسیر پیشرفت اقتصادی با مسایل تازه‌ی روبه‌رو می‌شوند که راه حل آنها، تنها با ابزارهای نظری و عملی نو میسر است. یکی از جدیدترین و مؤثرترین ابزارهای اقتصادی، سرمایه‌گذاری خارجی است که گذشته از تأمین سرمایه، عامل تعیین کننده نرخ رشد اقتصادی برای آینده نیز به شمار می‌آید.

فعالیت سرمایه‌گذاری است. مانند سرمایه‌گذاری تولیدی، بازرگانی، اعتباری، صرافی (ارزی) و غیره. اما، اصولاً سرمایه‌گذاری را در دو دسته کلی قرار می‌دهند: «سرمایه‌گذاری عمومی» و «سرمایه‌گذاری خصوصی»؛ این دو دسته نیز مجموعه‌هایی را دربردارد.

الف) سرمایه‌گذاری عمومی خارجی

به آن نوع سرمایه‌گذاری، که توسط دولت‌ها به مفهوم خاص و یا توسط سازمان‌های بین‌المللی صورت می‌گیرد، سرمایه‌گذاری عمومی گفته می‌شود. برخی طرح‌های توسعه و یا فعالیتهای بازرگانی که به حیات اقتصادی یک کشور بستگی دارد، توسط دولت سرمایه‌گذاری می‌شود [۹].

ب) سرمایه‌گذاری خصوصی خارجی

سرمایه خصوصی، یک منبع مهم برای سرمایه‌گذاری خارجی محسوب می‌شود. در کشورهای صنعتی غربی، سرمایه خصوصی بخش مهمی از سرمایه‌گذاریهای صورت گرفته در خارج از کشور را تشکیل می‌دهد. در کشورهای در حال توسعه نیز، نیاز فوری به جریان رو به تزاید سرمایه خصوصی وجود دارد. هدف اصلی اشخاص یا شرکت‌های خصوصی از سرمایه‌گذاری در خارج تحصیل سود است. همین عنصر کسب منفعت، سرمایه‌گذاری خصوصی خارجی را از سایر موارد تأمین مالی خارجی جدایی سازد [۹].

۲-۳ انواع سرمایه‌گذاری خارجی

این نوع سرمایه‌گذاری، از نظر نوع ورود سرمایه؛ به دو دسته مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌شود.

سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی (Foreign Indirect Investment) صرفاً به منظور تحصیل سود صورت می‌گیرد و معمولاً شامل خرید سهام و اوراق قرضه خارجی توسط سرمایه‌گذاران شخصی، شرکت‌های بیمه، مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری و مالی و غیره می‌شود.

سازمان بازرگانی جهانی (World Trade Organization) سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را به این صورت تعریف می‌کند: «زمانی که یک سرمایه‌گذار ساکن در یک کشور (کشور مبدا) دارایی بی‌را در کشور دیگری (کشور میزبان)، به قصد مدیریت آن دارایی خریداری

○ از دید اقتصادی، پس اندازهای گروهی از مردم، به وسیله گروه‌های دیگر - چون صنعتکاران - تبدیل به یک کالای سرمایه‌ی می‌شود و مفهوم سرمایه‌گذاری را پدید می‌آورد. بر پایه نظریه افزایش سرمایه‌گذاری، که نخستین بار کینز آنرا مطرح کرد، اندازه سرمایه‌گذاری بستگی به دو عامل سود مورد انتظار از سرمایه‌گذاری جدید و نرخ بهره دارد. او این عامل دوم را ضریب افزایش سرمایه‌گذاری نام نهاد و ثابت کرد که میزان سرمایه‌گذاری در یک کشور تعیین کننده رشد اقتصادی آن کشور است.

سرمایه‌گذاری، که برای نخستین بار توسط کینز (Keynes) بیان شد، اندازه سرمایه‌گذاری، بستگی به دو عامل سود مورد انتظار از سرمایه‌گذاری جدید و نرخ بهره دارد. او این عامل دوم را ضریب افزایش سرمایه‌گذاری (Marginal Efficiency of Capital) نام نهاد و ثابت کرد که میزان سرمایه‌گذاری در یک کشور تعیین کننده رشد اقتصادی آن کشور است. [۷].

۲-۱ مفهوم سرمایه‌گذاری خارجی

فرهنگ لغت حقوق بین‌الملل؛ سرمایه‌گذاری خارجی را چنین تعریف کرده است: انتقال وجوه یا مواد از یک کشور (کشور صادر کننده) به کشور دیگر (کشور میزبان)، جهت استفاده از تأسیسات یک بنگاه اقتصادی در کشور اخیر، در برابر مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم در سود آن بنگاه. چگونگی بهره‌گیری از این وجه در اداره یک بنگاه اقتصادی، وجه تمایز سرمایه‌گذاری خارجی از «تجارت خارجی» محسوب می‌شود [۸].

۲-۲ شیوه‌های سرمایه‌گذاری خارجی

تقسیم‌بندی نوع سرمایه‌گذاری، از جهات گوناگون امکان‌پذیر است. ساده‌ترین گونه، انتساب به زمینه‌های

می کند، FDI اتفاق می افتد.» [۱۰].

۳. رویکرد نظری به FDI

در دهه های اخیر، حجم جریانات مالی بین کشورها، نسبت به تجارت بین المللی سریعتر رشد کرده است. افزایش چشمگیر در فعالیتهای FDI، یک پدیده جهانی است و همان طور که توسط دی جوانی (Di Giovanni) (۲۰۰۵) مطرح شده، بخشی از آن مربوط به بالارفتن سطح تحصیلات مدیران مربوط به آن است. ارزش قیمت جاری ادغامها و خریدهای (Mergers & Acquisitions) بین المللی در دهه ۱۹۹۰، ده برابر افزایش یافت [۱۱]. برای مثال، برل و بین (Brell & Pain) (۱۹۹۷) به این نتیجه رسیده اند که FDI بعد از سال ۱۹۸۵، به نسبت بالایی افزایش یافت که دوره بی از قانون زدایی بازارهای کالا و سرمایه ملی است [۱۲].

۳-۱ طبقه بندی FDI

بسته به روش مورد استفاده، FDI ممکن است به دو شکل صورت پذیرد [۱۳]:

۱- اقدام به تولید جدید یا تهیه وسایل تحقیق و توسعه در خارج یا سرمایه گذاری بکر (Greenfield).

۲- ادغام و خرید بنگاههای موجود در خارج. تفاوت عمده میان دو شکل این است که، در مورد اول، سرمایه گذاران مالکند و امکانات تازه تأسیس را کنترل می کنند. M&A، همواره منجر به چنین مزیتی نمی شود. در حالی که اینها ممکن است نتیجه سرمایه گذاریهای پرتفولیوی شرکت هم باشد.

همچنین، سرمایه گذاریهای بکر FDI، سهام سرمایه بی اقتصاد را افزایش می دهد. در حالی که M&A، این طور نیست. طبق نظر لیپسی (Lipsey) (۱۹۹۹)، تفاوت های مهم دیگری میان سرمایه گذاری پرتفولیوی خارجی (FPI) (Foreign Portfolio Investment) و FDI وجود دارد: برخلاف گذشته، اخیراً منجر به انتقال تکنولوژی و شاید رشد شاخص کل بهره وری نمی شود [۱۴].

بر اساس نوعی دیگر از طبقه بندی - که امکان ایجاد ارتباطی میان تجارت بین المللی و FDI را ایجاد می کند -

سه شکل اصلی برای FDI وجود دارد:

۱- FDI افقی؛ به معنی ایجاد وسایل تولید در خارج از کشور است، که به همان صنعتی می پردازد که در کشور فرد سرمایه گذار وجود دارد.

۲- FDI عمودی؛ زمانی اتفاق می افتد که مالک و شرکت تازه تأسیس، یا جدیداً خریداری شده، در مرحله ای از فرایند تولید متفاوت هستند. زمانی که عرضه کننده مواد اولیه، خریداری گردد، FDI عقبگرد اتفاق افتاده است و FDI جلوگرد زمانی رخ می دهد که تولید کننده مواد اولیه، استفاده کننده یا توزیع کننده مواد اولیه را خریداری کند.

۳- FDI جمعی؛ که شامل بنگاههایی می شود که به تجارت های متفاوتی می پردازند.

۳-۲ مدل های FDI

اولین مدل از FDI عمودی، توسط هلپمن (Helpman) در سال ۱۹۸۴ و نیز توسط هلپمن - کروگمن (Helpman & Krugman) در سال ۱۹۸۵ ارائه شد. آنها

○ امروزه نیز، گرایش عمده سرمایه گذاری، به سوی کشورهای توسعه یافته صنعتی است. به سخن دیگر، جوامع پیشرفته بیش از آنکه به اقتصاد و کشورهای توسعه نیافته توجه کنند، سرمایه های خود را - بویژه در بخش صنعت - در اقتصاد و کشورهای مشابه خود به کار می اندازند. وجود ثبات سیاسی و امنیت سرمایه گذاری و نیز وجود قوانین و مقررات باثبات و نیاز به تکنولوژی یکدیگر و فراهم بودن زیرساختها، از دلایل علمی این گونه سرمایه گذاری کشورهای توسعه یافته در خاک یکدیگر است.

(۲۰۰۱) بسط داده شد [۱۷]، [۱۸] & [۱۹]. آنها فرض می‌کنند که بنگاه‌های چندملیتی (MNEs) شماری از تسهیلات تولیدی را در کشورهای گوناگون تأسیس می‌کنند که هر یک به بخشی از بازار، خدماتی را ارائه و همچنین، صرفه‌جویی‌هایی را برای شرکت ذخیره می‌کنند. انتخاب شرکت، چه برای توسعه فعالیت‌های خارجی آن (FDI) یا حفظ صادرات، به تعادل میان هزینه‌های تجاری و صرفه‌جویی‌ها بستگی دارد. اگر هزینه‌های تجاری وجود نداشته باشد، بهترین روش تمرکز بر روی تولید در یک کشور، صادرات و استفاده کامل از صرفه‌جویی است. از سوی دیگر، زمانی که هزینه‌های تجاری وجود دارد، سطح فعالیت‌های چند ملیتی (تولید در امور خارجی) تا جایی افزایش می‌یابد که هزینه‌های متغیر صادرات با سود ناشی از صرفه‌جویی، سر به سر شود. تئوری FDI افقی پیش‌بینی می‌کند که این گونه سرمایه‌گذاری میان کشورهای با هزینه‌ها و درآمدهای تولید مشابه اتفاق می‌افتد.

مدلهای فوق‌الذکر، درباره دو شکل عمده FDI، توسط مارکوسن (۱۹۹۷ و ۲۰۰۲) با چارچوبی از مدل سرمایه-دانش (Knowledge - Capital) (K.C.)، ترکیب می‌شود [۲۰] & [۲۱].

۳-۳ متغیرها اثرگذار بر FDI

در این بخش، متغیرهای تجربی مهمی که اهمیت آنها توسط مطالعات قبلی بررسی شده، به اجمال شرح داده می‌شود (مراجعه شود به پژوهش آقای بلونینگن [۲۳]).

۳-۳-۱ متغیرهای مرتبط با بازار:

ناگفته پیداست که اندازه بازار متغیر مهمی است. تولید ناخالص داخلی (GDP) (Gross Domestic Prod- داخلی) و سرانه آن، بیشترین متغیرهای عمومی است که به‌عنوان نماینده‌هایی برای اندازه بازار و سطح توسعه منظور می‌شود. البته، در برخی مطالعات مشاهده شده که GDP سرانه کشورهای میزبان، اهمیت کمتری در تغییرات دهه ۱۹۸۰ داشت.

۳-۳-۲ عامل‌های سیاسی-اجتماعی

همچنین، به نظر می‌رسد که بی‌ثباتی سیاسی کشورهای دریافت‌کننده، اثرات گوناگونی بر مطالعات

سه دسته فعالیت را برای شرکتهای چند ملیتی متصور بودند: تحقیق و توسعه (R&D) Research & Development، مدیریت (فعالیت‌های متمرکز بر سرمایه) و تولید (فعالیتی با نیاز کمتر به سرمایه). در نتیجه، شرکتهایی که به دنبال افزون کردن سود هستند، فعالیت‌های تولیدی خود را به کشورهایی که نیروی کار فراوان (ارزان) دارند، انتقال می‌دهند، در حالی که فعالیت‌های سرمایه‌بر خود را در کشور خود - که سرمایه نسبتاً فراوان است - نگه می‌دارند [۱۵] & [۱۶].

هلمپن - کروگمن در مدل خود بیان می‌کنند که FDI عمودی میان کشورهایی با برخورداری از عامل‌های متفاوت اتفاق می‌افتد. در حالی که میان کشورهایی با برخورداری از عامل‌های مشابه، به هیچ وجه نباید FDI عمودی صورت گیرد. انگیزه‌های در مدل FDI افقی، متفاوت است. اکثر مدل‌های مهم، از میان مدل‌های دیگر، توسط مارکوسن و ونیبلیز (Markusen & Venables) (۱۹۹۵ و ۱۹۹۸)، بالدوین (Baldwin) و همکاران

○ گذشته از زمینه‌های سیاسی و

اقتصادی، سرمایه‌گذاری خارجی نیاز به زمینه حقوقی مطلوب نیز دارد. سرمایه‌گذاران بالقوه، پیش از سرمایه‌گذاری در هر کشور، بررسی‌هایی در زمینه مسایل سیاسی، اقتصادی و حقوقی آن کشور انجام می‌دهند. این بررسی‌ها، در واقع شالوده تصمیم‌گیری نهایی آنها را می‌سازد. بنابراین، برای پاسخ دادن به این پرسش که آیا زمینه حقوقی مطلوب برای سرمایه‌گذاری خارجی در ایران وجود دارد یا نه؟ طبیعی است که پیش از هر چیز، باید قوانین کنونی که به گونه‌ای موثر در موضوع است، بررسی شود.

○ گاهی مؤسسات و شرکتهای سرمایه گذار خارجی، به منظور ایجاد کار برای متخصصان و کارشناسان خود و نیز برای توسعه و حفظ موقعیت سرمایه گذاری و تجاری خود در کشورهای سرمایه پذیر، به جای تأسیس شعبه و تشکیل شرکت فرعی و مختلط، از راه بستن قراردادهایی زیر عنوان «کمک‌های فنی و تخصصی» دست به سرمایه گذاری می‌زنند. این قراردادها، بیشتر در پی قراردادهایی مانند قراردادهای وام و امتیاز بسته می‌شود.

شود، می‌تواند برای بازارهای مشابه تولید کند و نرخهای ارز باید اثر معکوسی روی جریانات FDI داشته باشد نه تجارت.

فروت و استین (Froot & Stein) (۱۹۹۱) روش جدیدی را مطرح می‌کنند که بر اساس آن، در بازارهای سرمایه ناقص، هزینه‌های داخلی سرمایه، کمتر از وام گرفتن از منابع خارجی است. این، بدین معنی است که اگر هزینه پوله‌های رایج داخلی کاهش یابد، FDI داخلی واقعاً افزایش می‌یابد [۲۴].

۳-۳-۵ گرایش صادراتی کشور میزبان این موضوع، خیلی در ارتباط با موارد قبلی است. چون، صادرات ممکن است جانشین، یا تکمیل کننده FDI باشد، منطقی است که FDI شامل صادرات نیز باشد. سینق و جان (Singh & Jun) (۱۹۹۵) نشان داده‌اند که در مورد کشورهای در حال توسعه، صادرات معمولاً موجب FDI می‌شود. همین کار، برای استرالیا توسط پفافرمایر (Pfaffermayr) (۱۹۹۴) و برای اسپانیا، توسط باجو-روبیو و مونتر-مونز (Bajo - Rubio & Monter Munoz) (۲۰۰۱) تایید شده است [۲۴] & [۲۵].

۳-۳-۶ تراکم یا انباشتگی

تجربی داشته باشد. گرین و بنت (Green & Benett) (۱۹۷۲) مشاهده کرده‌اند که سرمایه گذارهای مستقیم آمریکا، مستقل از بی‌ثباتی سیاسی کشورهای میزبان بوده. از طرف دیگر، احمد و روت (Ahmed & Root) (۱۹۷۹) به این نتیجه رسیده‌اند که تغییرات اساسی در دولتهای کشورهای در حال توسعه، اثر چشمگیری بر روی FDI دارد. اشنايدر و فری (Schneider & Frey) (۱۹۸۵) مشاهده کرده‌اند که اعتصابها و شورشها، اثر منفی روی جریانات سرمایه گذاری دارد. به نظر نمی‌رسد که این مشکل، به این زودی قابل حل باشد، همان‌طور که مودی و ویلر (Mody & Wheeler) (۱۹۹۲) نتیجه می‌گیرند که خطرات سیاسی و عدم کارایی مدیریتی، اثر چشمگیری بر روی FDI نداشته، در حالی که لوکاس (Lucas) (۱۹۹۳) مشاهده کرده است که تعدادی از رویدادها (مثل مراسم المپیک، یا تغییرات سیاسی) واقعا جاذبه‌های يك کشور را افزایش می‌دهد [۲۲].

۳-۳-۳-۳-۳ مزد و حقوق

هزینه‌های مربوط به مزد-بصورت نظری- انتظار می‌رود که عامل مهمی از کارایی فعالیتهای FDI باشد. تحقیقات تجربی، تاکنون، تصویر مبهمی نشان داده است. اون (Owen) (۱۹۸۲) و گوپتا (Gupta) (۱۹۸۳) مشاهده کرده‌اند که در مورد جریانات FDI، میان کانادا و آمریکا، تفاوت‌های حقوقی، اثرات چشمگیری ندارند. از طرف دیگر، اشنايدر و فری (۱۹۸۵)، لوکاس (۱۹۹۳)، ویلر و مودی (۱۹۹۲)، سینق و جان (۱۹۹۵) بحث می‌کنند که تفاوت در مزدهای واقعی، اگر چه متغیر مهمی در توضیح جریانات FDI برای کشورهای در حال توسعه نیست [۲۲]، ولی، اهمیت خود را دارد.

۳-۳-۴ نرخ ارز

مطالعات چندی وجود دارد که نقش نرخهای ارز بر جریانات FDI را تاکید می‌کند. نرخ ارز، در حقیقت نماینده مشخصی برای متغیر توضیحی است، مانند آن که، قیمت نسبی پوله‌های رایج مستقیماً بر روی هزینه حمل و نقل اثر می‌گذارد. از سوی دیگر، تنها سطحی از نرخهای ارز نیست که اهمیت دارد، بلکه تغییرات آن اهمیت دارد. اگر FDI و تجارت، جانشین هم فرض

تحول آن را، می‌توان در دو دوره زمانی بررسی کرد. دوره اول، به پیش از جنگ جهانی دوم مربوط می‌شود و دوره دوم، پس از جنگ جهانی دوم آغاز می‌گردد. تحولات هر کدام از این دو دوره را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم.

۱-۴- وضع سرمایه‌گذاری خارجی و حقوق حاکم بر آن پیش از جنگ جهانی دوم

تاریخ سرمایه‌گذاری خارجی در اروپا به زمانهای خیلی دور برمی‌گردد. بدون تردید، چنین سرمایه‌گذاریهایی در آسیا، خاورمیانه و دیگر بخشهای جهان صورت می‌گرفته است. انتقال سرمایه تا قبل از جنگ جهانی اول، عمدتاً توسط کشورهای اروپایی، بخصوص انگلستان، فرانسه و آلمان صورت می‌گرفت و ایالات متحده، در صدور سرمایه‌گذاری فعالیت نداشت. جمع سرمایه‌گذاری سه کشور اروپایی نیز، هر ۱۲ تا ۱۳ سال، دو برابر می‌شد، که این افزایش نیز بیشتر ناشی از درآمد به دست آمده بود. در مقایسه با سه کشور فوق، سرمایه‌گذاری سایر کشورها ناچیز بوده است. هر چند می‌توان از سرمایه‌گذاریهای ژاپن و روسیه در چین، پرغال در برزیل و سوئد در روسیه نام برد [۲۶].

۲-۴- تحولات سرمایه‌گذاری خارجی، پس از جنگ جهانی دوم

با وجود کاهش روند سرمایه‌گذاری در فاصله دو جنگ جهانی؛ پس از جنگ جهانی دوم سرمایه‌گذاری خارجی به سرعت رو به افزایش گذاشت. در این میان، ایالات متحده سهم بیشتر و مهمتری در جریان سرمایه‌گذاری خارجی عهده‌دار شد [۲۶]. امروزه نیز، گرایش عمده سرمایه‌گذاری، به سوی کشورهای توسعه‌یافته صنعتی است. به عبارت دیگر، جوامع پیشرفته بیش از آنکه به اقتصاد و کشورهای توسعه‌نیافته توجه کنند، سرمایه‌های خود را - بخصوص در بخش صنعت - در اقتصاد و کشورهای مشابه خود به کار می‌اندازند. وجود ثبات سیاسی و امنیت سرمایه‌گذاری و نیز وجود قوانین و مقررات باثبات و نیاز به تکنولوژی یکدیگر و فراهم بودن زیرساختها؛ از جمله دلایل علمی این گونه سرمایه‌گذاریهای کشورهای توسعه‌یافته در کشورهای یکدیگر است. اگر چه کشورهای در حال توسعه نیز در سالهای اخیر تلاشهای زیادی در

○ پیشنهادها:

۱. مقررات پذیرش، ورود افراد و ثبت سرمایه خارجی، به گونه‌ی روشن تهیه و اعلام شود.

۲. نسبت و شیوه مشارکت تعیین شود تا چنانچه محدودیتی در این زمینه وجود دارد، کمترین و بیشترین اندازه سهام خارجی مشخص و این نکته روشن شود که آیا سرمایه‌گذار می‌تواند به گونه‌ی مستقل با مشارکت افراد داخلی شرکت تشکیل دهد و یا این که باید در شرکتهای موجود سرمایه‌گذاری کند.

۳. برای سرمایه‌هایی که وارد کشور می‌شود، حقوقی تعیین و تسهیلاتی فراهم شود.

۴. برای مراجع تصمیمگیری، تکالیفی تعیین شود و در صورت بروز اختلاف، برای آنها شرط داوری پیش‌بینی گردد.

تراکم که رابطه مثبتی میان جریان FDI و سهم FDI در کشور میزبان ارایه می‌کند، متغیر مهمی به نظر می‌رسد و دو دلیل دارد: اولاً، در واقع برای یک شرکت انتقال سرمایه‌گذاری به خارج بیشتر از یک دوره طول می‌کشد و در ثانی، به احتمال زیاد، کشورهای با سهم بیشتر از FDI داخلی، جذب‌کننده بیشتری نسبت به کشورهای دیگر هستند [۲۲].

۴. تاریخ تحول حقوق بین‌الملل

سرمایه‌گذاری خارجی

پیدایش حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری خارجی و

مصونیتها (Sovereign Immunity) برخوردار هستند. جالب توجه است؛ در مواردی که دولتها به کمک شرکت‌های دولتی، در یک کشور بیگانه به امور تجاری مبادرت می‌کنند، مسأله این است که آیا یک شرکت دولتی از مصونیت سیاسی برخوردار است یا نه؟ برای پاسخ به این پرسش، باید دو گونه‌ی بین‌اعمال حاکمیت (Acts Jure Imperi) و اعمال تصدی (Acts Jure Gestionis) مشخص شود. به طور کلی، اینکه آیا یک دولت را، بدون موافقت او، می‌توان در پیشگاه مراجع حقوقی و قضایی کشور دیگری احضار و محاکمه کرد، باید گفت در گذشته که قاعده مصونیت مطلق دولتها اعمال می‌شد، جواب منفی بود [۲۷]. اما، در قرن حاضر، که حتا، کشورهای غیر سوسیالیست، ضمن انجام وظایف عمومی که خاص دولتها است، به فعالیت‌های تجاری نیز اشتغال ورزیده‌اند، پاسخ به پرسش یاد شده، قدری مشکل است. ولی، می‌توان گفت امروزه بین گسترش فعالیت‌های تجاری کشورها و اصل مصونیت آنها رابطه معکوس برقرار است. به موازات توسعه و گسترش نفوذ و مداخله دولتها در امور تجاری، دایره مصونیت سیاسی آنها محدودتر شده است. در نتیجه، اغلب دولتها در مواقع برخورد با چنین مسایل حقوقی، عملاً از دکتین مصونیت محدود (Restrictive Immunity) پیروی می‌کنند.

ترسیم مرز بین اعمال حاکمیت و اعمال تصدی، مشکل است. زیرا، حدود و طبیعت وظایفی که هر یک از ارگانهای دولتی بر عهده دارند، مشخص و معلوم نیست. به هر حال، به این پرسش که کدام یک از ارگانهای بی‌شمار دولتی - که برای دولت کار می‌کنند - حائز شرایط برخورداری از مصونیت هستند، پاسخ قانع‌کننده‌ی داده نشده است. همین طور، این پرسش مطرح است که آیا یک دولت را می‌توان به طور ضمنی در دادگاههای کشور دیگری مورد تعقیب قرار داد؟

به هر رو، اگر مصونیت قضایی جنبه نسبی دارد، «مصونیت اجرایی مطلق است». یعنی، هیچ‌گونه توقیف اموال، از هر نوع که باشد، علیه یک دولت قابل اعمال نیست. حتا، اگر طلب ناشی از یک قرارداد تجاری باشد و یا دادگاه، اصل طلب را پذیرفته باشد. این قاعده، از

جهت جذب سرمایه‌گذاران خارجی آغاز کرده‌اند، لیکن، این گونه کشورها تحولات دیگری را تا این مرحله پشت سر گذاشته‌اند. در دوران بعد از جنگ جهانی دوم، در قلمروی حمایت بین‌المللی از سرمایه‌های خارجی، سه تغییر مهم حادث شد: بر تعداد ملی کردن اموال بیگانگان افزوده شد، اختلاف بر سر وضع مقررات حقوقی مربوط به نتایج حاصل از ملی کردن افزایش یافت، راههای مختلفی برای آشتی دادن، هر چند به صورت موقتی بین منافع متضاد کشورهای صادرکننده و واردکننده سرمایه، پیش‌بینی و ایجاد شد.

۳-۴ حقوق بین‌الملل و سرمایه‌گذاری خارجی

برای اینکه حقوق بین‌الملل نسبت به مؤسسات و شرکت‌های سرمایه‌گذاری چند ملیتی مفهوم داشته باشد، باید برای رسیدگی و حل و فصل اختلافات و دعاوی حقوقی و اجرای احکام دادگاهها، مکانیسمی داشته باشد. ولی، در این خصوص، کمبودهایی وجود دارد. افراد یا شرکت‌های خصوصی، مستقیماً به دادگاه دسترسی ندارند. مسایل خصوصی تنها در مواردی که دولتها به حمایت از اتباع خود اقدام نمایند - آن هم تحت شرایطی - در دیوان بین‌الملل دادگستری قابل طرح است و دیوان می‌تواند رأی به صلاحیت خود بدهد.

در برخی از کشورها، شرکتها و مؤسسات سرمایه‌گذاری در جلب حمایت دولتها متبوع خود در حد معقول موفق بوده‌اند. ولی، در غالب موارد، کسب چنین حمایتی به سهولت امکانپذیر نیست. زیرا، منافع سیاسی دولتها عامل تعیین‌کننده و راهنمای آنها در اعطای چنین حمایتی است. بعلاوه، دولتها متبوع طرفین دعوی یا اختلاف، باید در خصوص صلاحیت دادگاه توافق داشته باشند. حتا، در صورتی که اختلاف ناشی از سرمایه‌گذاری به دادگاه ارجاع شود و آن دادگاه رأی خود را صادر کند، با توجه به نقص سیستم حقوقی بین‌الملل، اجرای رأی صادر شده، مسأله آفرین خواهد بود.

در بعضی موارد، حقوق بین‌الملل توسط دادگاههای محلی به مورد اجرا گذاشته و تنفیذ می‌شود. برای مثال، حقوق بین‌الملل مقرر می‌دارد که حکومت‌های خارجی و نمایندگان سیاسی آنها در مقابل دستگاه قضایی، از بعضی

دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد، موکول به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوا خارجی باشد و در موارد مهم داخلی، باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند».

منع امتیاز دادن به خارجی

مهمترین منع قانونی در راه جلب سرمایه‌های خارجی در ایران، ممنوعیت مقرر در اصل ۸۱ قانون اساسی است که از نظر ارزیابی میزان خطر برای سرمایه‌گذاران بالقوه، کفه ترازو را در جهت موضع سرمایه‌گذاری سنگینتر می‌کند، اما، منظور از کلمه «امتیاز» که در این اصل آمده، چیست؟

آیا امتیاز به معنی واگذاری حداقل ۵۱٪ سهام به خارجیان است که در یک شرکت مختلط و به قصد اشتغال در یکی از فعالیتهای مذکور در اصل ۸۱ قانون اساسی تشکیل می‌شود؟ و یا به معنی سنتی و کلاسیک آن، یعنی دادن حق انحصاری بهره‌برداری از منابع طبیعی به خارجیان؟ و یا تنها مشارکت خارجیان در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن را نیز دربر می‌گیرد؟ به عبارت دیگر، آیا ممنوعیت مقرر در اصل ۸۱، سرمایه‌گذاری مستقیم به وسیله سرمایه‌گذاران خارجی در رشته‌های مذکور در این اصل را شامل می‌شود یا نه؟

شاید به لحاظ سابقه بد تاریخی و اندیشه سلطه خارجی و نفی حاکمیت ملی، منظور از امتیاز همان معنی سنتی آن، یعنی اعطای حق انحصاری تصدی به امور مذکور در اصل ۸۱ قانون اساسی باشد. با این فرض، امتیاز دارای ویژگیهایی از قبیل عدم شمول قوانین مالیاتی، وسعت زیاد حوزه عملیات موضوع امتیاز، طولانی بودن مدت امتیاز و مانند آن خواهد بود. اگر منظور از امتیاز معنای فوق باشد، امروزه دیگر موضوعیت ندارد. زیرا، با روی کار آوردن ترتیبات قراردادی جدید، امتیاز، دیگر واژه‌ی مرده تلقی می‌شود.

بنابراین، باید بپذیریم که اصل ۸۱ قانون اساسی، جهت جلوگیری از انحصار خارجی بنا شده و خارجیان را از داشتن سهام شرکت‌های ایرانی منع نکرده است. آنها

اصل جدایی‌ناپذیری داری دولت ناشی می‌شود و اجرای حکم دادگاه ممکن است به اموالی از دولت که اختصاص به اجرای حاکمیت او دارد، نیز تسری پیدا کند [۲۷].

۴-۴ زمینه حقوقی برای سرمایه‌گذاری خارجی

گذشته از زمینه‌های سیاسی و اقتصادی، سرمایه‌گذاری خارجی نیاز به زمینه حقوقی مطلوب نیز دارد. سرمایه‌گذاران بالقوه، قبل از اقدام به سرمایه‌گذاری در هر کشور، مطالعاتی در خصوص مسایل سیاسی، اقتصادی و حقوقی آن کشور انجام می‌دهند. این مطالعات، در واقع اساس تصمیم‌گیری نهایی آنها را تشکیل می‌دهد. بنابراین، برای پاسخ دادن به این پرسش که آیا زمینه حقوقی مطلوب برای سرمایه‌گذاری خارجی در ایران وجود دارد یا نه؟ طبیعی است که پیش از هر چیز، باید قوانین جاری مورد مطالعه قرار گیرد که به نحوی از انحاء موثر در موضوع است. زیرا، نقش قوانین و مقررات در امر سرمایه‌گذاری خارجی آن قدر واجد اهمیت است که، حتی، بعضی زمینه‌های سیاسی نامطلوب را با ایجاد یک چارچوب حقوقی مناسب - که به‌طور واقع بینانه‌ی بازتاب مکانیسم و جریان سرمایه‌گذاری است - می‌توان تعدیل کرد و مخاطرات مربوط را به حداقل رساند.

۴-۵ موانع حقوقی در راه جذب سرمایه‌های خارجی

مهمترین موانعی که در قانون اساسی، بر سر راه جذب سرمایه خارجی وجود دارد عبارت است از:

الف) منع امتیاز دادن به خارجی

اصل ۸۱: «دادن امتیاز تشکیل شرکتها و مؤسسات در امور تجاری، صنعتی، کشاورزی، معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است».

ب) منع استخدام بیگانگان

اصل ۸۲: «استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع است، مگر در موارد ضروری و با تصویب مجلس شورای اسلامی».

پ) محدودیت سازش نسبت به دعاوی یا ارجاع آنها به داوری

اصل ۱۳۹: «صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و

می‌آید. با این توضیحات، روشن است که اصل ۸۱ به تأسیس شعبه و نمایندگی شرکتهای خارجی، یا فعالیت خارجیان در قالب تشکیل شرکت ایرانی، ارتباطی ندارد.

منع استخدام بیگانگان

ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی مقرر می‌دارد که از نگاه این آیین‌نامه، سرمایه خارجی عبارت است از:

۱. ارزی که از مجرای بانکهای مجاز به ایران وارد شده باشد.

۲. ماشین‌آلات، لوازم و ابزار کار، قطعات یدکی ماشینها و مواد اولیه دیگری از این نوع، مشروط بر این که کارخانه‌ها و ماشین‌آلات رایج روز و مورد قبول هیأت رسیدگی باشد. ابزار و قطعات یدکی کارخانه باید به صورت سرمایه منتقل شود. ممکن است برخی از ماشین‌آلات غیر اصلی، بعداً وارد کشور شود، مشروط به این که در زمره اشیاء و لوازمی باشد که نوعاً سرمایه به حساب می‌آید و نه مخارج جاری.

۳. وسایط حمل و نقل زمینی، دریایی و هوایی مربوط به بهره‌برداری از کاری که برای آن سرمایه وارد شده است.

۴. حق اختراع، مشروط بر این که مربوط و توأم با برنامه تولیدی باشد که به آن منظور تقاضای ورود سرمایه خارجی شده است. هیأت رسیدگی، به ارزیابی و تشخیص این امر می‌پردازد.

۵. حقوق ارزی متخصصانی که به منظور استقرار کارهای تولیدی مذکور در این آیین‌نامه، پیش از آغاز بهره‌برداری پرداخت شده باشد.

۶. تمام و یا قسمتی از سود ویژه به دست آمده در ایران، که به سرمایه اصلی اضافه شده و یا در سازمان دیگری به کار افتد که مشمول مقررات قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی است.

در بسیاری از اقلام فوق، به منظور استفاده و راه اندازی سرمایه خارجی لازم است قرارداد سرمایه‌گذاری همراه با قراردادهای کمک فنی و تخصصی باشد.

می‌توانند تا ۴۹٪ در شرکتهای داخلی سرمایه‌گذاری کنند.

برنامه پنج ساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، استفاده از روش بیع متقابل را، به عنوان یکی از راههای جلب سرمایه‌گذاری خارجی، مجاز دانسته است. تبصره ۲۹ قانون برنامه پنج ساله اول، به دولت اجازه داده تا به منظور رفع قسمتی از نیازهای بخش صنعت و معدن، به منظور تولید و صادرات و سرمایه‌گذاری، به روش معاملات بای‌بک اقدام کند. تبصره ۲۲ برنامه پنج ساله دوم نیز، برای اجرای طرحهای زیربنایی و توسعه‌ی و همچنین افزایش ظرفیت تولیدی صادراتی کشور، به دولت اختیار داده است که انجام معاملات بای‌بک را از طریق سیستم بانکی کشور تسهیل نماید.

به هر حال، یک راه حل دقیق، که بتواند تفسیری دقیق درباره اصل ۸۱ قانون اساسی باشد، هنوز ارائه نشده و برخی، در تفسیر این اصل تا به آنجا پیش رفتند که حتا، ثبت شعب و نمایندگیهای شرکتهای خارجی را نیز امکانپذیر می‌دانند و اجرای ماده ۳ قانون ثبت شرکتهارا نیز غیرممکن می‌پندارند.

سرانجام، مجلس شورای اسلامی با تصویب «قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکتهای خارجی، به کلیه بحثها در این باره پایان داد و راه را برای فعالیت شرکتهای موسسات خارجی هموار ساخت.

مطابق ماده واحده قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکتهای خارجی که در کشور محل ثبت خود شرکت قانونی شناخته می‌شوند، مشروط به عمل متقابل از سوی کشور متبوع، می‌توانند در زمینه‌هایی که توسط دولت جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌شود، در چارچوب قوانین و مقررات کشور، به ثبت شعبه یا نمایندگی خود اقدام کنند.

در هر صورت، ثبت شعبه به معنی تشکیل شرکت و موسسه نیست و اصولاً، تشکیل شرکت خارجی در ایران قابل تصور نیست. زیرا، مطابق ماده یک قانون ثبت شرکتهای، هر شرکتی که در ایران تشکیل شود و مرکز اصلی آن در ایران باشد، شرکت ایرانی به حساب

ممنوعیت مذکور فقط شامل بخش دولتی است، ولی، عملاً این ممنوعیت در بخش خصوصی هم - خصوصاً در مسایل مربوط به اجازه ورود و جواز اشتغال به کار خارجی - اثرگذار است.

با قبول این فرض که ممنوعیت مقرر، فقط شامل بخش دولتی باشد، در هر مورد، دولت باید ضمن توجیه ضرورت استفاده از خدمات کارشناسان و متخصصان خارجی، از مجلس شورای اسلامی موافقت لازم را بگیرد.

گرفتن مصوبه از مجلس نیز، مستلزم طی تشریفات است که غالباً طولانی و وقتگیر است و باعث کندی کار می شود. بعضی اوقات، ممکن است که از زمان ابراز تمایل یک مؤسسه سرمایه گذاری به راه اندازی سرمایه در ایران تا گرفتن مصوبه مزبور، چندین ماه به طول انجامد و در این فاصله، عوامل گوناگون داخلی و خارجی سبب تغییر نظر و انصراف سرمایه گذار خارجی شود.

در حال حاضر، برای مشاوره و استفاده از تخصص کارشناسان خارجی، آیین نامه‌ی وجود دارد که مربوط به تشخیص صلاحیت و رتبه بندی واحدهای خدمات مشاوره می شود. بخشی از آن مختص اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی واجد شرایط است که به لحاظ ارتباط با موضوع مورد بحث، قسمتهایی از آن در اینجا ذکر می شود.

محدودیت سازش نسبت به دعاوی یا ارجاع آنها به داوری

مسئله دیگری که در قانون اساسی در مورد سرمایه گذاری خارجی وجود دارد، ماده‌ی درباره داوری در قراردادها است.

روش کشور ما - با توجه به اصل ۱۳۹ قانون اساسی - همان روش محدود است که مراجعه به داوری در اختلافات میان دولت و سازمانهای دولتی ایران و طرفهای خارجی، موکول به تصویب هیأت وزیران و مجلس شده است. با توجه به سیاق اصل ۱۳۹، استنباط می شود که درج ماده داوری در قراردادها، به کلی ممنوع است. زیرا، این اصل صراحت دارد که ارجاع به داوری، در مواردی که طرف دعوا خارجی باشد، باید به تصویب مجلس برسد. بنابراین، تازمانی که دعوی پیش نیامده،

علاوه بر این، بعضی اوقات مؤسسات و شرکتهای سرمایه گذار خارجی، به منظور ایجاد کار برای متخصصان و کارشناسان خود و نیز برای توسعه و حفظ موقعیت سرمایه گذاری و تجاری خود در کشورهای سرمایه پذیر، به جای تأسیس شعبه و تشکیل شرکت فرعی و مختلط، از طریق انعقاد قراردادهایی تحت عنوان «کمک‌های فنی و تخصصی» اقدام به سرمایه گذاری می کنند. این قراردادها، اصولاً در پی قراردادهایی مانند قراردادهای وام و امتیاز بسته می شود. بدین ترتیب که سرمایه گذار خارجی، به منظور حصول اطمینان نسبت به دریافت بموقع اقساط، اصل و بهره وام خود، ضمن قرارداد اعطای وام، حق نظارت در بهبود کار و حسن اداره مؤسسه وام گیرنده را نیز تحصیل می کند و بدین ترتیب، تعدادی از متخصصان و نیروی کار ماهر و ورزیده خود را برای نظارت و کمکهای فنی به کشور میزبان می فرستد.

همین وضعیت، در قراردادهای اعطای امتیاز ساخت محصولات و مصنوعات خارجی نظیر اتومبیل، تلویزیون و غیره وجود دارد. بیشتر، بستن قراردادهای اعطای امتیاز ساخت اتومبیل به یک مؤسسه تولیدی خارجی و یک مؤسسه یا شرکت ایرانی، منوط به امضای قرارداد کمک فنی با مؤسسه داخلی است. زیرا، تولیدکننده‌ی که حق استفاده از علامت تجاری خود را به دیگری واگذار می کند، به خاطر حفظ مرغوبیت کالای خود، باید مطمئن شود که امتیاز گیرنده، کالایی را که تحت امتیاز می سازد، با همان مشخصات فنی و با استفاده از همان تجربه و تخصص صاحب امتیاز تولید خواهد کرد و برای این منظور، امتیاز گیرنده، به موجب قرارداد کمک فنی مکلف خواهد شد که از تخصص کارشناسان فنی و نقشه‌ها و فرمولهای فنی امتیاز دهنده استفاده کند و در مقابل، به نسبت سود، یا براساس مقدار فروش خود، حق کمک فنی به صاحب امتیاز بپردازد. [۲۸]

در اینجا، پرسشی مطرح است که آیا ممنوعیت مقرر در اصل ۸۲ قانون اساسی، به مؤسسات و شرکتهای دولتی اشاره دارد، یا شامل بخش خصوصی هم می شود؟ گرچه، با توجه به نص صریح اصل ۸۱، به ظاهر،

گرفتن مصوبه از مجلس درباره درج ماده داوری در قرارداد، موضوعیت ندارد. اما، در صورت بروز اختلاف و ضرورت مراجعه به داوری، لزوم تصویب مجلس، علاوه بر تصویب هیأت وزیران، غیرقابل تردید است [۲۹].

برای رفع این نقص، پیشنهادی می‌توان ارایه داد مبنی بر این که اصل ۱۳۹ قانون اساسی طوری تنظیم شود که در زمان بستن قرارداد، بتوان ماده داوری را بدون نیاز به کسب مجوز از مجلس، در آن درج نمود. دلیل توجیهی این پیشنهاد، رویه و عرف بین‌المللی است که به موجب آن؛ در معاملات بین‌المللی - خصوصاً قراردادهای سرمایه‌گذاری و وام - نمی‌توان طرف خارجی را به قبول شرط مقرر در قانون اساسی ناگزیر کرد و ماده داوری را که طرفهای خارجی فوق‌العاده نسبت به آن حساسیت دارند، تا زمان بروز اختلاف مسکوت گذاشت.

۵. نتیجه‌گیری

عوامل گوناگونی وجود دارد که امکان موفقیت در جلب سرمایه‌های خارجی را افزایش می‌دهد. مهمترین این عوامل وجود يك ساختار حقوقی جامع است که تا حد زیادی دارای کمترین ارجاع مسایل به سایر قوانین و مقررات باشد. در حالی که در حال حاضر، قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی - که همواره احتیاج به مصوبه و آیین‌نامه دارد - نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای فعلی کشور باشد. بنابراین، ضرورت بازنگری در قوانین موجود، به شدت احساس می‌شود. این بازنگری زمانی موثر خواهد بود که موانع موجود در قانون اساسی، از سر راه سرمایه‌های خارجی برداشته شود.

به منظور جامعیت بخشیدن به قوانین سرمایه‌گذاری خارجی، باید رویه مشخص و ثابتی در پیش گرفته شود. به‌طور کلی، سرمایه‌گذاران خارجی ترجیح می‌دهند که قوانین سرمایه‌گذاری خارجی، جامعیت هر چه بیشتر داشته باشد. زیرا، این عمل باعث می‌شود که قوانین و مقرراتی که آنان اطلاعی راجع به آن ندارند، به حداقل کاهش یابد. البته، مراجعه به بعضی از قوانین - خصوصاً در زمینه مالیات، کار و عملیات بانکی - قابل پیش‌بینی است. لیکن، اتکای بیش از حد به سایر قوانین و

مقررات، می‌تواند موجب کاهش جذابیت سرمایه‌گذاری خارجی شود. خصوصاً، در مواردی که این قوانین، قدیمی باشد. هرگاه قانون سرمایه‌گذاری خارجی و مقررات و آیین‌نامه‌های اجرایی آن، به صورت مفصل و مبسوط تهیه و تدوین شده و حاوی تمام مسایل مربوط به امر سرمایه‌گذاری خارجی باشد، می‌توان انتظار داشت که این قانون جامع و مانع باشد.

در پایان، با توجه به مباحث مذکور در فوق، پیشنهادهایی، به شرح زیر، ارایه می‌شود:

۱. مقررات پذیرش، ورود افراد و ثبت سرمایه خارجی، به‌طور شفاف تهیه و اعلام شود.
۲. نسبت و شکل مشارکت تعیین شود تا چنانچه محدودیتی در این زمینه وجود دارد، حداقل و حداکثر سهام خارجی مشخص شود و توجه به این امر که آیا سرمایه‌گذار خود می‌تواند مستقلاً با مشارکت افراد داخلی اقدام به تشکیل شرکت نماید و یا این که باید در شرکت‌های موجود سرمایه‌گذاری کند.

۳. برای سرمایه‌هایی که وارد کشور می‌شود، حقوقی تعیین و تسهیلاتی فراهم شود.

۴. برای مراجع تصمیم‌گیری، تکالیفی تعیین شود و در صورت بروز اختلاف، برای آنها شرط داوری پیش‌بینی گردد.

فهرست منابع:

- Bernstein, P.L., "Capital Ideas: From the Past to the Future". *Financial Analysts Journal*, Vol 61, No. 6 (2005) pp. 55-59.
- Classsens, Stijn S., (1993) "Alternative Forms of External Finance", World Bank Research Observation. pp. 1-42.
- Borensztein, E. Gregorio, J. De. Lee, j-w, (1998) "How does Foreign Direct Investment Affect Economic Growth?", *Journal of International Economics*.
- Lensink, R., and Morrissey, O., (1999) "Foreign Direct Investment: Flows, Volatility and Growth in Developing Countries. [http/ www. Ub. Rug](http://www.Ub.Rug).
- Slater, J. and Ford, J. (2001) "FDI, Regional Ec-

18. Baldwin, Richard E. - Braconier, Henrik - Forslid, Rikard (November 2005) "Multinationals, Endogenous Growth and Technological Spillovers: Theory and Evidence". Vol. 13, Issue. 5, pp. 945-963.
19. Markusen, James R. (1997) "Trade versus Investment Liberalization". **NBER Working Paper**, No. W6231.
20. Markusen, James R. (2002) "Multinational Firms and the Theory of International Trade". MIT Press, Cambridge (USA), pp.1-429.
21. Blonigen, Bruce A. (2005) "A Review of the Empirical Literature on FDI Determinants". **NBER Working Paper**, No. W11299.
22. Froot, Kenneth A. - Stein, Jeremy C. (1991) "Exchange Rates and Foreign Direct Investment: An Imperfect Capital and Markets Approach", **Quarterly Journal of Economics**, Vol. 106, Issue. 4, pp. 1191-1217.
23. Péter Földvári. (1976) "The Economic Impact of the European Integration on the Netherlands: A Quantitative Analysis of Foreign Trade and Foreign Direct Investments", Central Planbureau/ Utrecht School of Economics, Utrecht University, Chapter 6, pp. 79-94.
24. Pfaffermayr, Michael (1994) "Foreign Direct Investment and Exports: A Time Series Approach", **Applied Economics**, Vol. 26, Issue. 4, pp. 337-351.
25. Bajo- Rubio, Oscar - Montero- Munoz, Maria (2001) "Foreign Direct Investment and Trade: A Causality Analysis", **Open Economies Review**, Vol. 12, Issue. 3, pp. 305-323.
۲۶. حقی، محمدعلی. (۱۳۷۲) «سرمایه گذاری خارجی ضامن توسعه به شرط مدیریت»، صنعت حمل و نقل، شماره ۱۲۳.
۲۷. زان شاپیرا (۱۳۷۱)، حقوق بازرگانی بین الملل، ترجمه دکتر ربیعا اسکینی، چاپ سحاب، چاپ اول، تهران، صص ۱۱۳-۱۱۴.
۲۸. نصیری، مرتضی. (۱۳۷۰)، حقوق چند ملیتی، نشر دانش آموز، ص ۱۳۴.
۲۹. اسکینی، ربیعا. (۱۳۷۱) مباحثی از حقوق تجارت بین الملل، نشر دانش امروز، چاپ اول، صص، ۱۵۶ و ۱۶۰.
- onomic Integration and Endogenous Growth, Some Evidence from Southeast Asia", **Pacific Economic Review**, Vol. 6, No. 3, pp. 383-399.
6. Indra, de, Soysa. (2003) "Foreign Direct Investment, Democracy and Development: Assessing Contours, Correlates and Concomitants of Globalization, London Today. Book Announcement, Vol. 29, p.4.
7. Mitra., J.K, (1977) "Economics Micro and Macro", The World Press Private Ltd, p. 48.
8. Riesenfeld., S.A. (1985) "Foreign Investment", In Encyclopedia of public International Law, Vol. 8, p.246.
9. Nwogugu, E.I. (1965) "The Legal Problem of Foreign Investment In Developing Countries", Manchester University, p.3.
10. World Trade Organization (1996b) "Annual Report" Vol. 1, Trade and Foreign Direct Investment, WTO, Geneva.
11. Di Giovanni, Julian (2005) "What Drives Capital Flows? The Case of Cross-Border M&A Activity and Financial Deepening", **Journal of International Economics**, Vol. 65, pp. 127-149.
12. Barrel, Ray - Pain, Nigel (1997a) "The Growth of FDI in Europe", **National Institute Economic Review**, Vol. 160, pp. 63-75.
13. Rivera- Batiz, Luis A. - Oliva, Maria-Angels (2003) "International Trade. Theory, Strategies and Evidence". Oxford University Press, Oxford, New-York
14. Lipsey, Robert, E. (1999) "The Role of Foreign Direct Investment in International Capital Flows". **NBER Working Paper**, No. W7094.
15. Helpman, Elhanan (1984) "A Simple Theory of Trade with Multinational Corporations", **Journal of Political Economy**, Vol. 92, pp. 451-471.
16. Helpman, Elhanan - Krugman Paul (1985) "Market Structure and International Trade". MIT Press, Cambridge (USA)
17. Markusen, James R. - Venables, Anthony J. (1998) "Multinational Firms and the New Trade Theory", **Journal of International Economics**, Vol. 46, No. 2, pp. 183-203.



حکمت و معنویت

در ایران نخستین سده‌های اسلامی
محمد کریمی زنجانی اصل
انتشارات اطلاعات

گیتی نامک
امان‌الله قرشی
انتشارات اطلاعات



ایران از نگاه سه اندیشمند ایران
امروز

حسن عشایری، موسا غنی تژاد، رضا
منصوری
نشر دیبایه

اسناد میتروخین II

کاگ ب و جهان
کریستوفر آندرو، واسیلی سیتروخین
ترجمه فریدون دولتشاهی
انتشارات اطلاعات



بی نظیر بوتو

دختر شرق
ترجمه علیرضا عیاری
انتشارات اطلاعات



گوگیتو

زن و فلسفه
ترجمه محبوبه مهاجر
انتشارات کتاب روشن

